



بدون چرایی نمی‌توان چگونگی را فهمید/دین بدون فرهنگ و تمدن ناقص است

چهره ماندگار فلسفه گفت: علم از چگونگی صحبت می‌کند ولی چرایی پرسش از علت است. کسی که به چگونگی تنها می‌پردازد و از چرایی خبر ندارد به عمق عالم راه ندارد و سطحی اندیش است.

چهره ماندگار فلسفه گفت: علم از چگونگی صحبت می‌کند ولی چرایی پرسش از علت است. کسی که به چگونگی تنها می‌پردازد و از چرایی خبر ندارد به عمق عالم راه ندارد و سطحی اندیش است.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت که از شبکه چهار سیما پخش می‌شد، اظهار داشت: تنها موجودی که در عالم هستی مظهر خداوند است، انسان است. در قرآن هم آمده که انسان خلیفه یعنی جانشین خداوند بر روی زمین است، چون انسان مظهر کامل تبارک تعالی است؛ سجده بر آدم یعنی سجده بر خدا.

دینانی خاطرنشان کرد: انسان به همان اندازه که مظهر کامل حق است و از هر فرشته ای مقامش بالاتر است به همان اندازه از حیوان هم پست تر است.

وی گفت: معقول، کلی و فراگیر است. این امر فراگیر که معقول است و همه هستی را فراگرفته از ماده و سلول در نمی‌آید، چرا که ماده ذاتش محدودیت است اما کلی محدود نیست معقول الهی است و جنبه الهیت دارد، متافیزیک است. تنها موجودی که درک کلی دارد انسان است. شما نمی‌توانید کلیات را در تلسکوپ و آزمایشگاه پیدا کنید. بعضی‌ها چون نمی‌توانند آن را پیدا کنند می‌گویند انتزاعی است.

دینانی ادامه داد: کسی که چرایی را نداند، چگونگی را هم نمی‌داند. آنها از چرایی صحبت می‌کنند اما از چگونگی سخن نمی‌گویند. علم از چگونگی صحبت می‌کند، بدون چرایی نمی‌توان چگونگی را فهمید. در سطح می‌فهمند ولی در عمق به چرایی نمی‌رسند. چرایی پرسشی از علت است. کسی که به چگونگی تنها می‌پردازد و از چرایی خبر ندارد به عمق عالم راه ندارد و سطحی اندیش است یعنی فقط به ظواهر نگاه می‌کند.

این استاد دانشگاه تأکید کرد: سه مساله دین، فرهنگ و تمدن از مسائل مهم انسان است. فرق دین با فرهنگ و تمدن را می‌دانیم ولی مشکل بین فرهنگ و تمدن است. این دو با هم تفاوت دارد و یکی نیستند. هر فرهنگی تمدن نیست. تمدن معمولاً فرهنگ هم دارد. فرهنگ بدون تمدن امکان دارد. اگر کسی فرهنگ تنها داشته باشد، دین و تمدن نداشته باشد، ناقص است. تمدن بدون فرهنگ هم نمی‌شود. دین بدون فرهنگ و تمدن هم مشکل است. دین اگر باشد فرهنگ و تمدن را با خود به همراه می‌آورد. اگر دینی فرهنگ و تمدن نیابد ناقص است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران در ادامه گفت: با کمال تأسف انسان در مقابل دین، فرهنگ و تمدن دچار عادت می‌شود. عادت انواع و اقسام دارد. آیا عادت‌ها همیشه با فرهنگ، دین و تمدن هماهنگ هستند و یا گاهی هم تعارض دارند؟ اگر عادت با فرهنگ، تمدن و دین هماهنگ بود چه بهتر اما گاهی عادت‌هایی است که در آن نه تمدن است، نه فرهنگ و نه دین. بسیاری شان مزاحی و بسیاری روحی هستند.

این استاد دانشگاه افزود: خطرناک عادت‌های فکری هستند که انسان به یک عادت‌هایی که عقلانی و منطقی نیست معتاد شود و در این اندیشه و ذهن خودش باقی بماند. این مشکل جامعه بشری است و همیشه هم بوده است. سطحی اندیشان صف آراییی کرده اند، در مقابل عمق اندیشه این جنگ همیشه بوده است.

دینانی با طرح این سوال که راستی و صدق چیست، گفت: پراگماتیست‌ها مثل فروید، صدق را توجیه می‌دانند. می‌گویند آن چیز که شما را راضی کند صدق است می‌گویند صدق آن است که شما را توجیه کند یعنی شما قانع شوید. برای شما سود داشته باشد. اگر قانع و توجیه شدید این صدق است. نمی‌گویند چون درست است به نفع من است. اگر جامعه ای اینگونه فکر کند که چون به نفع من است درست است آن جامعه چه جامعه ای می‌شود؟ صدق این است که به دیگران دروغ نگوئیم آنچه را که واقعی است سراغش برویم نه آن چه که به نفع مان است.

وی تأکید کرد: بسیاری از آدم‌ها به خودشان دروغ می‌گویند، چون جلوی فهم شان را می‌گیرند. کسی که جلوی

فهمش را بگیرد به خودش دروغ گفته است و دروغ گفتن به خود خطرش بیش از دروغ گفتن به دیگران است و اگر کسی به خود دروغ بگوید حتی اگر به دیگران راست بگوید آن راستی اش دروغ است.

چهره ماندگار فلسفه با بیان اینکه هستی بر اساس صدق است، خاطرنشان کرد: طبیعت بر اساس صدق است. طبیعت هم دروغ نمی گوید، ملانکه هم دروغ نمی گویند. حیوانات هم دروغ نمی گویند. فقط انسان ها هستند که دروغ می گویند. اول به خودشان دروغ می گویند.

وی در خاتمه ابراز داشت: اراده خوب است ولی گاهی در آن نقص پیدا می شود. فارابی در باب اراده تعریفی می گوید که شاید هیچ تفسیر و تعریفی برای تمدن از این بهتر نباشد. می گوید در فرق بین تمدن و طبیعت آنچه ارادی است، تمدن است و آنچه غیرارادی است، طبیعت است. تمدن بر اساس اراده به وجود آمده است و طبیعت با اراده ما کاری ندارد و کار خودش را می کند اما این تمدن که با اراده به وجود آمده است گاهی در آن دروغ هم است و ما باید دروغ ها را از آن بزداییم. تمدن خوب است اما گاهی در طول تاریخ می بینیم که تمدن هایی به وجود آمده اند که در داخل آنها دروغ هایی هم به خورد مردم داده اند.